

ارزیابی انتقادی منابع نظری یوگا در ایران

علی محمد پوراابراهیم*

چکیده

امروزه یوگا یکی از مسائل مهم و استراتژیک کشور هند شده که دولت آن کشور سرمایه‌گذاری هنگفتی برای گسترش و توسعه و نشر آن انجام داده است. دولت هند در سایه ترویج هته یوگا به نشر و تبلیغ دین هندو می‌پردازد که این امر با توجیه جنبه ورزشی آن صورت می‌گیرد. از سوی دیگر مسئله یوگا در جهان امروز یکی از مسائل پرچالش در حوزه فرهنگی کشورهای اسلامی نیز هست. یوگا را از زوایای گوناگونی می‌توان بررسی کرد. در این مقاله به صورت مختصر به بررسی منابع یوگا در ایران پرداخته و به این مسئله توجه کرده‌ایم که منابع یوگا در ایران از لحاظ علمی چگونه ارزیابی می‌شوند و نقش این منابع در ترویج یوگا در ایران و نیز تربیت مربیان چه قدر است. در این مقاله سعی شده از چند منظر به صورت مختصر به ارزیابی منابع یوگا در ایران پرداخته شود: الف. ارزش علمی منابع تألیفی؛ ب. ارزش علمی منابع ترجمه‌ای؛ ج. اتقان علمی منابع ترجمه‌ای؛ د. معیارمندی منابع برای ترجمه. این نوشتار به صورت کلی به این نتیجه رسیده است که مطالب این منابع و سطح علمی آن‌ها با منابع اصلی یوگا بسیار فاصله دارد و اصولاً ملاک و معیار در انتخاب آثار برای ترجمه، بیشتر جنبه تجاری و بازاری آن است تا کیفیت علمی آثار.

واژگان کلیدی: یوگا، منابع یوگا، آموزش یوگا، ورزش.

*. دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق؛ poorebrahim.ali@yahoo.com

مقدمه

یوگا (یگه)^۱ در اصل خود، یکی از شش مکتب فلسفی هند و در زمره مکاتب راست باور (آستیکه) هندویی است. این سنت قدمت چند هزار ساله دارد و در متون کهن دینی هند فراوان از آن یاد شده است. این مکتب دارای نظریه‌های جهان‌شناختی مخصوص به خود و برگرفته از اندیشه‌های دینی کشور هند است و در آن بستر بالیده و از چهارچوب دین هند و پیروی می‌کند.

آنچه به عنوان یوگا در ایران رایج است، صرفاً شکل بسیار ناقصی از هتهه یوگا است. هتهه یوگا در اصل از فنون راجه یوگا (پَتَنجَلِی یوگا) بود (Kur:1999) (Otherst, Rider &); اما بعدها در کنار آن به عنوان یکی از چهار نوع یوگای اصلی مطرح شد (Eliade, Routledge & Kegan Paul: 1958). هتهه یوگا راه و روشی بود که با انجام برخی حرکات سخت و افراطی، افراد می‌توانستند به توانمندی‌های فوق‌عادی دست یابند.

در مفهوم هندی، هتهه یوگا بر هر رویه‌ای که تسلط بر بدن را امکان‌پذیر می‌سازد اطلاق شده است. البته در این مکتب، «هه» را اشاره به خورشید و «تهه» را اشاره به ماه می‌دانند و به این ترتیب معتقدند با اتحاد ماه و خورشید «هتهه یوگا» شکل می‌گیرد. این تفسیر کاملاً با آموزه هتهه یوگا تناسب دارد.

امروزه یوگا را به عنوان یکی از رشته‌های ورزشی می‌شناسند و آن را در باشگاه‌های ورزشی و در کنار سایر ورزش‌ها آموزش می‌دهند. مراکزی که صرفاً به آموزش یوگا اختصاص دارند، بسیار محدودند و در این باشگاه‌ها نیز صرفاً به جنبه ورزشی آن پرداخته می‌شود. در سطح بین‌المللی نیز در بیشتر کشورها مراکز فراوانی به آموزش و ترویج آن در سطح عموم مشغول‌اند. کشور ما، ایران نیز مستثنی از این مسئله نبوده است.

۱. تلفظ و آوانوشت دقیق این واژه سنسکریت «یگه» است؛ ولی به لحاظ اشتباه رایج در تلفظ و آوانوشت آن، ما نیز در این مقاله به جهت انس ذهن مخاطبان به آن شیوه و آوانوشت، همان شیوه رایج در نگارش آن را ملاک نوشتارمان قرار داده‌ایم.

حضور یوگا در ایران بیش از نیم قرن قدمت دارد. صورتی از یوگا در دههٔ چهل وارد ایران شد و به صورت محدود باشگاه‌هایی به آموزش آن پرداختند و این مسئله در سطح محدودی ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۷۴، با رسمیت یافتن آن از سوی سازمان تربیت بدنی، رشد فزون‌تری به خود گرفت. این امر منجر به این شد که اکنون بیش از ۱۷۰ مرکز آموزش یوگا با بیش از یک میلیون نفر فراگیر در ایران وجود دارد و بیش از ۲۵۰ عنوان کتاب دربارهٔ یوگا چاپ و منتشر شده است. در مقالهٔ حاضر به صورت مختصر به نارسایی‌های منابع یوگایی در ایران می‌پردازیم. این نارسایی‌ها هم در منابع تألیفی وجود دارد و هم در منابع ترجمه‌ای.

بررسی منابع یوگایی در ایران به دست می‌دهد که بیشتر نویسندگان منابع یوگا در ایران، آشنایی کمتری با مکتب یادشده دارند و برخی، با آن کاملاً بیگانه هستند؛ تا آنجا که دست‌اندرکاران تعلیم یوگا نیز به این واقعیت اعتراف دارند.^۱ خوانندگان این منابع، با مطالعهٔ آن، آشنایی درست و کاملی با آموزه‌های فلسفی و نظری مکتب یوگا پیدا نمی‌کنند. این منابع معمولاً معرفی کلیشه‌ای و بسیار گذرا و ناقصی از یوگا و گونه‌های آن به خواننده می‌دهد و سپس به تمرین‌های عملی آن می‌پردازند. در واقع، بیشتر این منابع با رویکرد ورزشی و درمانی نگاه شده‌اند؛ از این رو، در بررسی این منابع می‌بینیم که بیش از ۹۰ درصد متن این کتاب‌ها، شامل معرفی آسنه‌ها، با تصویر مربوط به هر آسنه و فواید آن است. در مصاحبه با برخی مربیان و مسئولان مراکز آموزش یوگا، به این نتیجه رسیده‌ایم که دیدگاه آنان دربارهٔ یوگا این است که یوگا یک ورزش برای سلامت جسم و روان است و دانشجو چیزی بیش از این از یوگا نمی‌خواهد؛ از این رو، نیازی نیست که مربیان هم چیزی بیش از این از یوگا بدانند. همین امر در نگارش آثار یوگایی در ایران مشاهده می‌گردد و این نگرش سبب نارسایی‌هایی در این منابع گردیده

۱. این مسئله در مصاحبهٔ نگارنده با اشخاصی مانند مهرداد گوران، رئیس اسبق انجمن یوگا؛ شریفی، نائب رئیس اسبق انجمن؛ مسعود مهدوی پور، مسئول کانون یوگا و مربی؛ سید جلال موسوی نسب، نویسنده و مترجم منابع یوگایی و... تأیید شده است. فایل صوتی این مصاحبه‌ها موجود است.

که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

عدم اتقان علمی آثار یوگایی در ایران

با مطالعه و بررسی منابع یوگایی که در ایران تألیف و منتشر شده درمی‌یابیم که آثار یوگایی رایج در ایران، متکی بر منابع اصیل یوگایی نیستند. بیشترین منابع، فاقد منابع کتاب‌شناختی و ارجاعات علمی هستند. کتاب‌هایی که نویسندگان ایرانی تألیف کرده‌اند و به عنوان منبع از آن‌ها استفاده می‌شود، عمدتاً فاقد ارجاعات و سند هستند؛ ضمن اینکه بیشترین منابع برگرفته از کتب غربی غیرمعتبر و دست‌چندم هستند و بسیاری از مطالب این منابع تکرار مطالب منابع دیگر فارسی است و نوآوری در آن مشاهده نمی‌گردد. از طرفی مریان یوگا و دانشجویان نیز دانسته‌های خود را از همین منابع به دست می‌آورند و مسیر‌آشنایی و شناخت یوگا برای آنان همین منابع هستند. در این صورت طبیعی است که شناختی که از یوگا حاصل می‌شود نیز ناقص و حتی اشتباه باشد. حقیقت امر این است که مسئولان و دست‌اندرکاران یوگا در ایران، به دلیل آنکه نگاهشان به یوگا صرفاً ورزشی است، در صدد تدوین منابع علمی برگرفته از متون اصیل هندوی و تحقیقات معتبر دانشگاهی نیستند. همین امر سبب شده که مریان، شناختی سطحی از یوگا داشته باشند. این ترویج سطحی یوگا در بدنه آموزشی انجمن یوگا هم به چشم می‌خورد. همه افرادی که نگارنده با آن‌ها مصاحبه کرده، به این حقیقت اذعان می‌کردند. در مقالات گوناگون نیز به این موضوع اشاره شده است. در یکی از این مقالات آمده است: «در حوزه یوگا و مدیتیشن و... تعداد زیادی کتاب چاپ شده است که اکثر آن‌ها از اعتبار آموزشی لازم برخوردار نیست» (علی‌پور، ۱۳۸۴: ۱). عدم اتقان منابع تألیفی یوگایی در ایران شامل مواردی است که مختصراً به آن اشاره می‌گردد:

تلاش برای تلفیق ادبیات یوگایی با ادبیات اسلامی

در پاره‌ای از منابع تألیفی، سعی نویسندگان این بوده است که ادبیات

یوگایی را با مفاهیم و آموزه‌های دینی و عرفانی اسلام تلفیق و جایگزینی برای برخی اعمال و اذکار یوگا فراهم آورند. همچنین نویسندگانی کوشیده‌اند تا با وام‌گیری از ادبیات اسلامی، درصدد معرفی و فهماندن ادبیات یوگایی برآمده و در این راستا، به سلسله‌ای از شباهت‌ها و رفتارها نیز اشاره کرده‌اند که حکایت از عجله و کم‌دقتی نویسندگان به روند یکسان‌انگاری دارد. برای نمونه، به این عبارت‌ها دقت کنید: «نیاما واجبات است و شامل پنج مرحله است: ۱. خلوص؛^۱ ۲. قناعت؛ ۳. تپاس (ریاضت)؛ ۴. مطالعه کتب فلسفه، عرفانی، اسلامی، ودایی و یوگا؛^۲ ۵. تمرکز روی حقیقت مطلق» (یحیایی، ۱۳۷۶: ۲۵).

نویسندگان در توضیح بند ۴، مطالعه کتب فلسفه، عرفانی، اسلامی، ودهیی و یوگایی، چنین آورده است:

«تکرار ذکر بر روی تسبیح که به آن «جاپا» می‌گویند. برای دانش و یادگیری بیشتر، از کتاب‌های فلسفی، عرفانی، اسلامی، ودهیی و یوگا استفاده کنید تا بهتر درک کنید. برای درک بیشتر، می‌توانید از احادیث چهارده معصوم علیهم‌السلام نیز فیض ببرید». (یحیایی، ۱۳۷۶: ۲۵) ملاحظه می‌کنید که مؤلف در کنار مطالعه کتب ودهیی که یکی از واجبات نی‌یمه است، مطالعه کتب فلسفی، عرفانی و اسلامی را نیز توصیه کرده و در توضیح همین مطلب، مطالعه احادیث را هم اضافه کرده است. مؤلف توجیه علمی درباره این تلفیق ارائه نکرده و تنها این ادعا را طرح کرده که «چون ده درصد آموزه‌های مکتب یوگا با دین اسلام مطابقت ندارد، لذا من آن‌ها را از تعالیم یوگا حذف و به جای آن از آموزه‌های اسلام جایگزین نموده‌ام.»

مؤلف در اثر خود توضیح کاملی ارائه نکرده است که کدام یک از تعالیم یوگا با دین اسلام مطابقت ندارد، و کدام آموزه را جایگزین کدام عمل یوگایی کرده است و اصولاً با چه سنجه‌ای به مغایرت ده درصدی دست یافته است.

۱. بند ۱ از اقسام نی‌یمه طهارت و پاکی است که مؤلف به اشتباه خلوص نوشته است.

۲. چهارمین قسم از اقسام نی‌یمه، مطالعه متون مقدس ذکر شده است. البته منظور یوگا، متون ودهیی است.

آیا می‌توان ادعا کرد یوگایی که برگرفته از دین هندو است، ۹۰ درصد آن موافق آموزه‌های اسلام باشد؟ قطعاً چنین ادعایی خالی از اشکال نیست و نشان‌دهنده این است که این نویسندگان با مکتب یوگا آشنایی کامل ندارند. این ابهام باعث سردرگمی و تشویش خاطر خواننده کتاب نیز می‌شود.

اشکالی که از ناحیه این تلفیق‌گری‌ها می‌تواند متوجه فرهنگ ما شود این است که چون این کارها از ناحیه افراد ناآشنا یا کم‌آشنا با مکتب یوگا و اسلام صورت می‌گیرد (که آثارشان حکایت از این مطلب دارد)، طبیعی است که در این روند انحرافات به وجود بیاید و اندیشه‌های التقاطی و زیان‌باری به خورد جامعه داده شود. به این‌گونه، کاملاً محتمل است که هم آموزه اسلامی به درستی تبیین نگردد و هم فهم غلطی از آموزه یوگا ترویج گردد. این قبیل کارها باید از سوی عالمان و متخصصان هر دو مکتب بررسی گردد و امکان این تلفیق‌گری به دقت سنجیده شود تا احیاناً از انحرافات احتمالی در این روند جلوگیری شود.

همین تلفیق‌گری‌های غیرعالمانه، در آموزش‌های عملی نیز به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه، در کتاب *دائرة المعارف یوگا*، مؤلف کتاب در مورد پیشینه خود در دوره‌های آموزش یوگا چنین می‌آورد:

«در کلاس مدیتیشن، به سبک عرفانی، مانند ابن‌سینا، سهروردی، حافظ، احمد غزالی و محمد غزالی، با ذکرنام سوره‌های قرآن به عنوان مانترا، مدیتیشن انجام می‌گرفت. بر طبق این تعلیمات، مدیتیشن به شش گام تقسیم شده که هر گام با ذکر ۱۹ اسم از اسامی سوره‌های قرآن در ذهن همراه است. در گام ششم، نام ۱۱۴ سوره قرآن، به عنوان مانترا در یک جلسه مورد استفاده قرار می‌گیرد» (مهاجر گنجه‌ای، ۱۳۸۶: ۱۲).

روشن است که در دوره آموزش یوگا قاعدتاً باید مراحل انجام تمرینات براساس آموزه‌های این مکتب صورت گیرد؛ درحالی‌که طبق این گزارش، مراحل قبلی براساس برنامه یوگا صورت گرفته و در مرحله مدیتیشن، شخص آن را روی

سوره‌های قرآن انجام می‌دهد. این تلفیق‌گری‌ها باعث می‌شود برخی فکر کنند که نوعی یوگای اسلامی انجام می‌دهند و به این وسیله برخی آموزه‌های این دو مکتب را بدون بررسی دقیق و عالمانه، در هم آمیخته و از این رهگذر چه بسا به معنویت دینی التقاطی راه یابند.

عدم کوشش برای فهم دقیق و علمی مکتب یوگا

منابع تألیفی و ترجمه‌ای یوگا که از سوی نویسندگان ایرانی به چاپ رسیده است، اطلاعات کاملی از مکتب یوگا به دست نمی‌دهند؛ بلکه صرفاً به معرفی کلی و ناقص و احياناً مغلوپ از یوگا اشاره می‌کنند.

در تمامی این کتاب‌ها می‌توان اشاره کوتاه و ناقصی به تاریخچه یوگا و نیز شناساندن حکیم پتنجلی، به عنوان تدوین‌کننده آن سراخ گرفت. تقریباً هیچ‌یک از منابع چاپ‌شده یوگا در ایران اشاره‌ای به مبانی نظری و جهان‌شناسی این مکتب نکرده است.

درباره عدم آموزش مبانی فلسفی مکتب یوگا، دیدگاه برخی از مربیان با سابقه را جویا شدیم که اظهار می‌کردند: نباید فلسفه یوگا آموزش داده شود؛ اصولاً چه لزومی دارد که این نظریات به فراگیران القا شود؟ تاکنون فردی را مشاهده نکرده‌ام که به خاطر یادگیری فلسفه یوگا به آموزشگاه ما مراجعه کرده باشد.^۱ اغلب افراد، با انگیزه‌های ورزشی و مدیتیشن به مرکز ما مراجعه می‌کنند. یکی دیگر از مربیان و مسئول مرکز آموزشی در مصاحبه نگارنده با ایشان، اظهار می‌کردند که ما از طرح مطالب فلسفی و عرفانی مکتب یوگا منع شده‌ایم و اجازه نداریم مبانی نظری این مکتب را بیان کنیم.

بیشتر مربیان یوگا تأکید می‌کنند که یوگا روشی برای خودشناسی و تفکر و تعمق در هستی، و خودشناسی، مقدمه‌ای برای خداشناسی است؛ از همین رو،

۱. به نقل از گفت‌وگو با ساعد احمدی مدیر باشگاه یوگا، پیام مهر.

یوگا را مخالف هیچ عقیده و مکتبی نمی دانند. اما عملاً آنچه رواج دارد، جنبه ورزشی آن است.

مبالغه و اغراق در باره یوگا

در پاره‌ای از این منابع، اغراق‌گویی‌هایی در خصوص آموزش یوگا نیز به چشم می‌خورد که به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

«هرکس وارد مکتب یوگا شود و آداب آن را بیاموزد و بدان عمل کند، همه چیزش، از آغاز تا پایان دگرگون می‌شود، حتی شباهتی نیز میان جسم و روح، طی دوره تعلیماتی یوگا با پیش از اقدام به آموزش دیده نمی‌شود. تأثیر و نفوذ تعالیم یوگا، نفس را به نفسی دیگر مبدل می‌نماید» (شریف پور، ۱۳۶۸: ۲۰).

در عبارت بالا به نظر می‌رسد که نویسنده این ادعا را صرفاً با تقلید از متون دیگر مطرح کرده باشد؛ زیرا هیچ اشاره‌ای نمی‌کند که چگونه همه چیز فرد، در عمل به یوگا دگرگون می‌شود و معیار و ملاک این دگرگونی چیست؟ و اساساً، مراد از شباهت میان جسم و روح مورد ادعا چیست و چگونه در عمل به یوگا، این شباهت از بین می‌رود؟ همین طور مقصود از تبدیل نفس به نفسی دیگر در عمل به یوگا چگونه و به چه معناست؟ این‌گونه عبارت‌های اغراق‌آمیز که بدون هیچ توضیحی ارائه می‌گردد، سبب تشویش ذهن خواننده کم‌اطلاع می‌شود. نویسنده این مطالب اگر حقیقتاً از یوگا اطلاع داشت، منطقی‌تر در آغاز باید تعریفی روشن از روح و جسم به دست می‌داد، سپس می‌گفت که در عمل به یوگا، چه اتفاقی برای جسم و روح شخص رخ می‌دهد.

تقسیم‌بندی‌های غیرعلمی یوگا

نکته دیگری که از رویکرد غیرعلمی این منابع حکایت می‌کند، آشفتگی در تقسیم‌بندی انواع یوگا است. با مطالعه کتاب‌های یوگا که در ایران به چاپ رسیده مشاهده می‌شود که از انواع یوگاها نام برده شده: هتیه یوگا، راجه یوگا، مها یوگا، یوگای داغ، اشتانگه یوگا، کرمه یوگا و... که این کار

به دلیل عدم آشنایی کامل با یوگا و عدم استفاده از منابع اصیل است. در بیشتر این متون دسته‌بندی‌های مشوش و متفاوتی از یوگا ارائه می‌گردد، بدون اینکه از این اقسام توضیحی ارائه کنند. در این تقسیم‌بندی‌ها اشاره‌ای به ربط و نسبت بین یوگای کلاسیک و سایر گونه‌های یوگا می‌شود که این خود، می‌تواند دلیل عدم آشنایی آن‌ها با ساختار و جغرافیای مباحث مربوط به یوگا و ربط و نسبت بین آن‌ها باشد. همین مسئله باعث سردرگمی خوانندگان این آثار یوگای کلاسیک می‌گردد.

آوانویسی غیرفنی

تألیف در حوزه ادیان، به ویژه مکتب‌های هندی، با سایر حوزه‌ها تفاوت‌های بسیاری دارد؛ از آن جمله، سبک آوانویسی و تلفظ اصطلاحات علمی و فنی آن مکتب است. شیوه آوانویسی واژه‌های سنسکریت، در ترجمه‌ها و نوشتارهایی که در کشور ما صورت چاپ به خود گرفته، تا این زمان به کمالِ بایسته خود نرسیده است. در فارسی‌نویسی واژه‌ها و اصطلاحات سنسکریت، تا به حال اشکالات فراوانی وجود داشته است. ترجمه‌ها و نقل مطالب، نوعاً از متون انگلیسی، آلمانی و فرانسه صورت گرفته است و چون در همه این متن‌ها، آوانویسی واژه‌ها و اصطلاحات سنسکریت به درستی و دقت ثبت نشده، اشکال با شدت بیشتری به متن فارسی نیز منتقل گشته است. برای مثال، تمایز نهادن میان «-» و «آ» سبب می‌شود که «کرمه» و «درمه» را «کارما» و «دارما» ثبت کنند و نیز «اوپه نیشدها» را «اوپانیشادها» بنویسند و بخوانند؛ حال آنکه مصوت‌های «-» و «آ»، در سنسکریت کاملاً متمایزند (ویتمن، ۱۳۸۲: ۱۵). از این‌گونه اشتباهات، در متون و منابع یوگایی در ایران فراوان وجود دارد. شاید بتوان گفت مواردی که واژه یا اصطلاحی به درستی آوانویسی شده باشد، در این آثار به اندازه انگشتان دست بیشتر یافت نمی‌شود. در همین جستار، هنگام نقل مطالب از آن منابع مشاهده کرده‌اید که چه اوضاع نابسامانی بر این عرصه حاکم است. با نگاه اجمالی به آثار و متون ترجمه شده نیز به خوبی روشن می‌گردد

که تا چه اندازه این قواعد نادیده گرفته شده و اندک اعتنایی به رعایت فنون آوانویسی آن نشده است و حتی اشتباهاتی نیز می‌توان دید که به روند فهم مطلب آسیب فراوانی وارد می‌کند. مثلاً در زبان سنسکریت و سنت هندو، دو واژه به چشم می‌خورد که با وجود شباهت لفظی، تفاوت معنایی زیادی دارند: اولی yoga است که به غلط «یوگا» تلفظ می‌شود؛ اما دومی yuga است که در سنت فرهنگی - دینی سنسکریت، به مفهوم دوره‌های چهارگانه زمان و تاریخ به کار می‌رود. در فارسی نویسی اگر بخواهیم دقیق عمل کنیم، باید اولی را «یوگا» و دومی را «یوگه» آوانویسی کنیم؛ اما در متون یوگایی رایج در ایران همه را «یوگا» درج می‌کنند.

برجسته‌کردن بُعد ورزشی و درمانی یوگا

منابع منتشرشده یوگا در ایران، اعم از تالیفی و ترجمه‌ای، بیشتر سمت وسوی ورزشی و پرداختن به درمان ناراحتی‌های جسمی و روانی دارند. بیشتر کتاب‌ها و مقالات منتشرشده، از همین زاویه به یوگا می‌پردازند و خواننده ایرانی نیز که از طریق همین منابع با یوگا آشنا می‌شود، از یوگا شناخت محدود و ناقصی پیدا می‌کند و سمت وسوی خود را با توجه به مطالب این منابع برمی‌گزیند؛ درحالی‌که شاید بتوان گفت این نوع معرفی یوگا نوعی واژگون نشان دادن این مکتب باشد؛ زیرا هدف یوگا مانند دیگر مکتب‌های فلسفی - عرفانی هندی، ارائه راهی برای رهایی از رنج است (چاترجی و داتا، ۱۳۸۴: ۵۴۸). در این باره دکتر بهلول در سال ۱۳۵۵ در همایشی در دانشگاه اصفهان چنین می‌گوید: «این اهانتی است به یوگا که این رشته را ورزش بدانیم. هدف یوگا تنها به حرکت درآوردن دست و پا و گردن نیست؛ بلکه هدف، ریاضت دادن بدن است به نیت آسایش و آرامش روح» (مهاجر گنجه‌ای، ۱۳۸۶: ۱۲۴). آنچه یوگا خواستار آن است، در حقیقت پایان بخشیدن و متوقف کردن هم معلوم‌سازی‌ها،^۱ دخل و تصرف‌ها،

۱. دخل و تصرف‌ها و معلوم‌سازی‌های چیتة (مراحل شناخت ذهنی) را می‌توان در پنج مقوله دسته‌بندی کرد: شناخت درست و صادق (Pramāna)، شناخت نادرست و کاذب (Viparyaya)، شناخت صرفاً گفتاری و کلامی (Vikalpa)، خواب (Nidrā) و حافظه (Smṛti). برای توضیح بیشتر نک: چاترجی و داتا، ۱۳۸۴: ۵۵۲.

عملیات، فعالیت‌ها و شناخت‌های ذهنی و ازکارانداختن کامل ذهن است؛ از همین رو، مکتب یوگا برای پالایش و اشراق ذهن، هشت ابزار یا اصل را به دست داده است که به این اصول هشت‌گانه، یاوران یوگا (yoganga)^۱ گفته می‌شود. هدف یوگا چیزی فراتر از این اعمال است؛ پس صرفاً پرداختن به برخی از این اصول و رهاکردن بقیه، و از همه فاحش‌تر، فرونهادن هدف و مقصود غایی از این برنامه‌ها، یک یوگی را به هدف مطلوب از مکتب یوگا نمی‌رساند (چاترجی و داتا، ۱۳۸۴: ۵۶۴). بی‌گمان اگر بنا باشد جامعه ایرانی با یوگا روبه‌رو گردد، در نوشتارها باید به مباحث جهان‌شناسی و معرفت‌شناسی یوگا پرداخته شود تا خواننده فارسی‌زبان، با حقیقت این مکتب آشنا شود و از عیب و هنر آن و مبدأ و منتهایش کاملاً آگاه گردد؛ نه اینکه فقط به یک جنبه آن پردازد و صرفاً آنچه را برایش جالب است ارائه کند. آموزش آسنه‌های یوگا هیچ مانعی ندارد؛ اما نباید این روند سبب شود که سایر آموزه‌های مکتب یوگا نادیده انگاشته شود؛ زیرا فراگیران یوگا نخست باید با این مکتب آشنا شوند و ارکان آن، علت تقدم و تأخر مراحل هشت‌گانه و تأثیر و تأثرپذیری این مراحل از یکدیگر را بدانند و سپس اگر بناست از یوگا استفاده کنند، با آشنایی کامل به یادگیری آن پردازند.

بهره دیگری که از این بررسی به دست می‌آید نشان‌دهنده این مسئله است که بیشتر نویسندگان آثار یوگایی شناخت کاملی از مکتب یوگا و آموزه‌های آن و نیز اطلاع کاملی از ربط و نسبت بین انواع یوگا‌های رایج ندارند؛ بنابراین هرگونه نظریه‌پردازی از سوی آنان ممکن است همراه با اشتباهات فاحشی باشد، چه از حیث آموزه‌های نظری و تلفیق‌گری‌هایی که با آموزه‌های اسلامی صورت می‌گیرد و چه از حیث روش‌های عملی و آموزشی یوگا. شاید به همین خاطر است که در برخی گزارش‌ها از صدماتی که از ناحیه همین افراد ناآشنا به برخی از فراگیران یوگا وارد می‌شود سخن به میان آمده است.

۱. البته پیش‌تر یاد شد که معنای دقیق این اصطلاح «اندام‌های یوگا» است و مراد از آن ابزارهایی است که یوگا برای رساندن یوگی به مقصد استفاده می‌کند.

عدم اتقان علمی منابع ترجمه‌ای در ایران

در حوزه ترجمه منابع یوگایی در ایران، وضع به مراتب بدتر از حوزه تألیف است. باید اذعان کرد که این حوزه بیشترین سهم را در نشر و ترویج یوگا در ایران داشته و اگر نگاهی گذرا به تیراژ چاپ این کتاب‌ها بیندازیم، به سادگی این ادعا را تأیید خواهیم کرد. در حوزه منابع ترجمه‌ای کمتر آثاری را می‌توان یافت که برداشت درستی از یوگا داشته باشد. متأسفانه در این حوزه با آثاری مواجه می‌شویم که مؤلف آن هیچ درک درستی از یوگا نداشته است و عناوین کتب ترجمه‌ای گوناگون و فراوان است که خواننده را در نحوه مواجهه با آن سردرگم می‌کند.

با مطالعه این منابع درمی‌یابیم که هدف از ترجمه این آثار بیشتر جنبه تجاری آن‌ها و تیراژ و میزان فروششان در بازار بوده تا علمی بودن آنها.

نبود اهتمام لازم به ارزش‌یابی آثار ترجمه شده

این اشکال که صرفاً متوجه آثار ترجمه‌ای است، مبتنی بر این اصل است که در ترجمه هرائری، نخست باید مترجم مجموعه‌ای از اطلاعات اولیه درباره موضوع، پیشینه تحقیقات و آثار منتشر شده در آن موضوع و عقاید و دیدگاه‌های نویسنده کتاب به دست آورد و در گزینش آن اثر برای ترجمه و نیز در ترجمه، از آن‌ها بهره‌برد. سید جلال موسوی نسب، از مترجمان آثار یوگایی، بر این نکته تأکید کرده^۱ و معتقد است که مترجمان در ایران، باید از پدیدآورنده کتاب‌ها شناخت داشته باشند و نیز در ترجمه هرائری، نخست مترجم باید به بررسی اثر پردازد که تا چه اندازه ارزش علمی برای ترجمه دارد و سطح علمی کتاب در چه حدی است. یکی از آسیب‌های جدی که در ترجمه آثار یوگایی در ایران به چشم می‌خورد این است که مترجمان و ناشران، اطلاعات کاملی درباره نویسندگان آثار یوگایی و نیز کتاب در دست ترجمه ندارند؛ بلکه با

۱. این مطالب در مصاحبه نگارنده با ایشان مطرح گردیده و فایل صوتی آن موجود است.

اندک شناختی و به صرف جذابیت موضوع، به ترجمه و انتشار این گونه آثار می‌پردازند. از طرف دیگر، مترجم باید برای وقت و عمر خود و خوانندگان، ارزش و اهمیت فراوانی قائل باشد و از میان منابع گوناگون در باب ترجمه، اثری ارزنده را با دقت برگزیند. متأسفانه در منابع ترجمه شده درباره یوگا در ایران، این دقت و ژرف‌اندیشی را کمتر می‌توان دید.

پس شاید بتوان ادعا کرد که هدف از ترجمه این آثار، بیشتر جنبه تجاری و جذابیت آن بر میز فروش است تا اهداف فرهنگی و علمی. آثاری چون حاملگی و زایمان آسان با یوگا، یوگا و لاغری، یوگای صورت؛ چهره برتر حالت بهتر، شفابخشی با یوگا، یوگادرمانی، آموزش یوگا در ۲۸ روز، آموزش یوگا در ۳۰ روز، آموزش یوگا برای بچه‌ها، تائویوگا و چی کونگ و انرژی جنسی و یوگا نمونه‌هایی از همین آثارند. شگفت این‌که نویسندگان این آثار نیز مانند پدیدآورندگان منابع تألیفی در ایران، آشنایی کمی با مکتب یوگا دارند.

البته نباید از نظر دور داشت که برخی پیش‌کسوتان یوگا در ایران نیز بر همین باورند و این نارسایی را در نوشته‌ها و مصاحبه‌های خود بیان کرده‌اند؛ از همین روست که خواننده ایرانی با مطالعه این آثار، شناختی کافی از مکتب یوگا پیدا نمی‌کند و با اهداف و فلسفه آن آشنا نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی آثار و منابع یوگایی در ایران مشخص است که اصولاً یوگا در ایران به شکل ناقص متولد شده است و این نقص، در آثار مربوط به آن، چه آثار ترجمه‌ای و چه آثار تألیفی، نمایان است. با دقت در این آثار این نکته روشن می‌گردد که شاید بیشترین ملاک در گزینش این آثار جنبه تجاری آن بوده است؛ یعنی مترجم یا بنگاه انتشاراتی، هدفش از ترجمه، فروش زیاد کتاب و سودآوری آن بوده، نه محتوای علمی آن. نتیجه این بی‌توجهی در گزینش منابع برای ترجمه باعث شده که جامعه یوگایی نیز دچار ضعف علمی و بی‌اطلاعی

به یوگا گردد؛ زیرا این افراد برای مطالعه به همین منابع مراجعه می‌کنند و برای شناخت و اطلاع از یوگا، به منابع اصیل آن و منابع معتبر علمی مراجعه نمی‌کنند و صرفاً به منابع ترجمه‌ای دست چندم بسنده می‌کنند.

اینکه منابع یوگا در ایران کاستی‌هایی دارد، به خاطر نوع نگاه به یوگا نیز هست؛ زیرا در ایران به یوگا به عنوان رشته‌ای ورزشی برای سلامت جسم و روان پرداخته می‌شود و از این رو آثاری که ترجمه می‌شود، در همین راستا انتخاب می‌شود.

با توجه به منابع اصیل یوگایی و اینکه یوگا در اصل یکی از مکتب‌های فلسفی هند است که دارای نظریه‌های جهان‌شناسی مخصوص به خود است، و بررسی آثار یوگایی در ایران، نتیجه‌گیری می‌شود که یوگای مطرح در ایران نسبتی با یوگای اصیل و کلاسیک ندارد و تنها نامی از آن را بردوش می‌کشد. البته واضح است که چنانچه یوگای اصیل و کلاسیک بخواهد مطرح و ترویج شود، با آموزه‌های اسلامی در تضاد خواهد بود و با فرهنگ ایرانی اسلامی سازگاری ندارد؛ از این رو یوگایی که در ایران و بیشتر کشورهای مطرح است، صورت دگرگون‌شده یوگا یعنی هتیه یوگا است که البته آن هم به شکل ناقص ارائه می‌گردد.

فهرست منابع

۱. چاترجی، ساتیش چاندرا و دریندرا موهان داتا (۱۳۸۴) معرفی مکتب‌های فلسفی هند، ترجمه فرناز ناظرزاده کرمانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۲. حیایی، محمدرضا (۱۳۷۶) یوگا در هفت مرحله از مبتدی تا عالی، تهران: آوای دانش - غزالی.
۳. شریف‌پور، خسرو (۱۳۶۸) یوگا برای همه، تهران.
۴. علی‌پور، سعیده (۱۳۸۴) «دکان داری در عالم معنویت»، نشریه ایران.
۵. ویتمن، سیمن (۱۳۸۲) آیین هندو، ترجمه علی موحدیان عطار، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۶. هاجر گنجه‌ای، رضا (۱۳۸۶) دائرة المعارف یوگا، تهران: کلام شیدا.
7. Eliade, Micea, Yoga: Immortality and Freedom, tr. From the French by Willard R. Trask, Routledge & Kegan Paul, London, 1958
8. Friedrichs, Kurt & Others, The Rider Encyclopedia of Eastern Philosophy and Religion, London, Rider, 1999.

